

گزارشی از تنها مدفن معلوم شهدای واقعه مسجد گوهرشاد در مشهد

رازهای سرب‌دانه مهر «گلشور»

عکس‌ها: میثم دهقانی



دفتر بایگانی
گورستان گلشور

شاید اگر چند
سال قبل،
خبرنگاری
کنجکاو سر
از بایگانی
گورستان بهشت
رضا (ع) در
نیاورده و دفتر
درگذشتگان
سال ۱۳۱۴
گورستان
گلشور را پیدا
نکرده بود، این
راز هیچ‌چنان
سرب‌دانه مهر
باقی می‌ماند

در اوایل دهه ۱۳۱۰ شمسی در مشهد افتتاح شد؛ زمین آن از اراضی روستای «حسین‌آباد کرمانی‌ها» بود و به دلیل فاصله حدوداً دو فرسخی از شهر مشهد، محلی مناسب برای احداث گورستان به نظر می‌رسید. در آن زمان مشهد گورستان‌های متعددی داشت؛ گورستان گل ختمی، گورستان قتلگاه و... اما همه این گورستان‌ها به دلیل توسعه فضای شهری، در داخل شهر قرار گرفته بود و به همین دلیل، لازم بود زمین دیگری به این کار اختصاص داده شود و قرعه فال به نام اراضی «حسین‌آباد کرمانی‌ها» درآمد و گورستانی احداث شد که نامش را گلشور گذاشتند. در آن زمان، غسالخانه‌ها نزدیک گورستان قرار نداشت. یکی از مهم‌ترین غسالخانه‌های مشهد، در خیابان تازه تاسیس طبرسی واقع بود که بیشتر دفن‌شدگان گلشور، در این غسالخانه شسته می‌شدند و از جمله، شهدای واقعه مسجد گوهرشاد.

تنها یادگار باقی مانده از گلشور

پنج سال بعد از واقعه مسجد گوهرشاد، پیکر یکی از علمای عارف دوران نیز، در گورستان گلشور آرام گرفت؛ آیت‌الله سید محمد تقی معصومی اشکوری. وی که از علمای مبرز خطه گیلان محسوب می‌شد، در ایام اختناق دوره پهلوی اول، به دلیل ممانعت از فعالیت روحانیان، گرفتار مشکلات فراوانی شد. مرحوم معصومی اشکوری با بسیاری از عرفای بنام دوران خود، آمد و شد داشت که یکی از آن‌ها، مرحوم شیخ حسنعلی نخودی اصفهانی بود. وی در سال ۱۳۱۶ شمسی، دارفانی را وداع گفت. سه سال بعد و بر اساس وصیتش، پیکر وی را به مشهد منتقل کردند و در گورستان گلشور به خاک سپردند. امروزه تنها مزار باقی مانده در گورستان گلشور یا بوستان شهید مفتاح فعلی، مزار آیت‌الله معصومی اشکوری است. به این ترتیب، یاد و خاطره این عالم ربانی نیز، در حافظه تاریخی گورستان قدیمی گلشور باقی مانده است.

شهدای هم محله‌ای

شاید اگر چند سال قبل، خبرنگاری کنجکاو سر از بایگانی گورستان بهشت رضا (ع) در نیاورده و دفتر درگذشتگان سال ۱۳۱۴ گورستان گلشور را پیدا نکرده بود، این راز همچنان سرب‌دانه مهر باقی می‌ماند. از حدود ۲۲ شهیدی که نامشان در دفتر درگذشتگان مضبوط است، تنها هویت هفت نفر را می‌توان شناخت؛ افرادی مانند کربلایی حبیب، پسر مشهدی تقی و محمد جعفر، پسر مشهدی محمدعلی که اتفاقاً هر دو ساکن محله «ارگ» و به عبارتی، هم محله بوده‌اند. اما این، تمام ماجرای گلشور و رازهای نهفته در آن نیست. شامگاه ۲۲ مهرماه سال ۱۳۴۲ هنگامی که تجمع هزاران نفری مردم مشهد در مجلس «فیل» و خیابان‌های اطراف آن، توسط عوامل رژیم پهلوی به خاک و خون کشیده شد، حسین پور احمدی و مهدی نجار، دو تن از مجروحان بودند که به بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی مشهد منتقل شدند و همان‌جا به شهادت رسیدند؛ اما پیکر آن‌ها تحویل خانواده‌هایشان نشد و مظلومانه و مخفیانه در گورستان گلشور به خاک سپرده شدند.

حال و روز این روزها

این روزها، گورستان قدیمی گلشور یکی از جاذبه‌های گردشگری مشهد محسوب می‌شود. مجتمع‌های تجاری متعدد و فضای سبز مطبوعی که طی سال‌های اخیر در محل این گورستان قدیمی ایجاد شده، وضعیت گذشته را به صورت بسیار مؤثری تغییر داده است. با این حال، در حافظه تاریخی مردم مشهد، هنوز هم گلشور که این روزها با نام بوستان شهید مفتاح شناخته می‌شود، یادآور خاطرات درگذشتگانی است که سال‌ها قبل از قید حیات رهایی یافته‌اند؛ این را می‌توان در شب‌های جمعه و ایام «چراغ‌برات»، از سیل جمعیتی که خرما و حلوا به دست در بوستان شهید مفتاح می‌چرخند، دریافت. گورستان گلشور

جواد نوایان رودری

انگار همین دیروز بود؛ همراه با مادر، خودمان را به ایستگاه اتوبوس بین چهارراه برق و سیلو در خیابان طبرسی می‌رساندیم و منتظر می‌ماندیم تا خط «گلشور» برسد. شب‌های «چراغ‌برات» که مشهدی‌ها بر اساس رسم کهن‌شان، سراغی از اموات می‌گیرند تا خیراتی کنند و فاتحه‌ای بخوانند، اتوبوس‌های گلشور مملو از جمعیت بود و من مجبور بودم زنبیلی را که مادرم داخل آن میوه و حلوا گذاشته بود از فشار جمعیت حفظ کنم؛ اصلاً کار آسانی نبود! وقتی از دور، نمای کوره‌های آجرپزی با آن دودکش‌های بلند، هویدا می‌شد، می‌فهمیدم که زمان تحمل کردن رو به پایان است و به زودی در ایستگاه آخر اتوبوس «گلشور» یعنی گورستان قدیمی شهر پیاده خواهیم شد، بر سر مزار مادر بزرگم خواهیم رفت و من باید ظرف نذری را بچرخانم و به مردم تعارف کنم و آن‌ها هم میوه و حلوا بردارند و بگویند خدارحم‌تش کند! چقدر زود سه دهه گذشت. آن روزها گلشور، برای من که در دوران نوجوانی به سر می‌بردم، گورستانی قدیمی و متروک به نظر می‌رسید که یک دهه از آخرین دفن آخرین میت در آن گذشته بود. غروب که می‌شد، محیط آرام و ساکت گورستان، و هم انگیز به نظر می‌رسید. اما کمتر کسی می‌دانست که در آن سکوت مرموز، رازهایی نهفته است که گذر زمان، گرد فراموشی بر آن پاشیده. ۳۰ سال بعد، هنگامی که کار روی پروژه تاریخ واقعه مسجد گوهرشاد را آغاز کردم تازه فهمیدم که این گورستان قدیمی که این روزها جایش را به پارکی مصفا داده و در اطرافش، مجتمع‌های تجاری عریض و طولیلی سر برآورده است، میزبان پیکرهای مطهری است که در تیرماه سال ۱۳۱۴ در مسجد گوهرشاد و در جوار مضجع شریف رضوی به ضرب گلوله عوامل استبداد و اختناق، شربت شهادت نوشیدند.